



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
دانشگاه قرآن حدیث
پریس تهران

پایان نامه کارشناسی ارشد
رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی

بررسی مصداقی موارد نیاز به اذن، رضایت یا اجازه در روابط زوجین در فقه امامیه

استاد راهنما

حسام الدین ربانی

دانشجو

موسی سلیمانی کیاسری

شهریور ۱۳۹۸



تعهد نامه اصالت و حقوق رساله / پایان نامه

اینجانب موسی سلیمانی کیاسری دانشجوی ورود ۱۳۹۶ مقطع کارشناسی ارشد رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی که موضوع رساله/ پایان نامه ام با عنوان «بررسی مصداقی موارد نیاز به اذن، رضایت یا اجازه در روابط زوجین در فقه امامیه» در شورای علمی گروه آموزشی فقه و مبانی حقوق اسلامی به تصویب نهایی رسیده است، تعهد می‌دهم:

الف) همه مطالب و مندرجات رساله/ پایان نامه ام حاصل تحقیقات شخصی ام تهیه شده است و در صورت استفاده از مطالب، نتایج تحقیقات، نقل قول‌ها، جداول و نمودارهای دیگر، منابع و مآخذ آن را مطابق با شیوه نامه دانشگاه ذکر نموده‌ام.

ب) حقوق مادی و معنوی دانشگاه را درباره این اثر محترم بشمارم و در صورتی که نتایج این تحقیق را در کتاب، مقاله، اختراع، اکتشاف و هرگونه تولید علمی دیگری منتشر کنم، با نام دانشگاه قرآن و حدیث بوده و مطابق با ضوابط آن عمل نمایم.

ج) در صورت استفاده از حمایت مالی و غیر مالی نهادهای دولتی و غیر دولتی در این تحقیق، مراتب را کتباً به امور پایان نامه‌های دانشگاه اطلاع دهم.

د) چنانچه در هر شرایط و زمانی، خلاف تعهدات فوق ثابت شود، دانشگاه را در اتخاذ هر نوع تصمیم حقوقی مختار می‌دانم و نسبت به تصمیم اتخاذ شده ادعا و اعتراضی ندارم.

نام و نام خانوادگی دانشجو:

تاریخ و امضاء:

تقدیم به:

احیاء کننده شریعت محمدی صلی الله علیه و آله

حضرت صاحب الامر

حجت بن الحسن المهدی علیه السلام

سپاسگزاری:

از درگاه خداوند شاکر هستم به خاطر توفیقی که به دستم آمد تا بتوانم در دانشگاه قرآن و حدیث در جوار حرم مطهر حضرت شاه عبدالعظیم حسنی علیه السلام تحصیل نمایم و تقدیر و تشکر از استادان عزیزم و مدیریت محترم و معاونت پژوهش که با فراهم آوردن بستر علمی، مرا یاری رساندند تا به این مرحله راه یافته و همچنین از استاد گرامی و ارجمند جناب حجت الاسلام و المسلمین دکتر حسام الدین ربانی به خاطر راهنمایی های مفید و ارزنده ایشان سپاس بی منتها دارم.

از خانواده عزیزم و نیز همسر مهربانم که در تمامی لحظات تحصیل و پژوهش تکیه گاه و مشوقم بودند و از دختر عزیز تر از جانم زهرا خانم، بخاطر کمک در تایپ مطالب و صفحه آرایی کمال تشکر را دارم.

چکیده

عقد ازدواج حقوق و تکالیفی برای زن و شوهر به وجود می‌آورد و آنان را نسبت به تأمین برخی نیازهای یکدیگر شرعاً متعهد می‌سازد. از آنجا که زوجین به عنوان دو رکن اصلی تشکیل دهنده نهاد کوچک خانواده در اسلام مطرح هستند، مورد توجه ویژه قرار گرفته و شارع حکیم احکام و قوانین خاصی را در مورد نحوه ارتباط و تعامل آنها با یکدیگر، تشریح نموده است. یکی از این احکام و قوانین که از روایات وارد در این زمینه استفاده می‌گردد، موارد نیاز به اذن، رضایت یا اجازه در روابط زوجین است، مواردی که در روابط بین زوجین؛ مسئله اذن مطرح می‌شود و یا مسئله رضایت و در مواردی عدم نهی را کافی می‌دانند و لو اذن نباشد و رضایت احراز نشود و گاهی در بعض موارد تعبیر به اجازه را کافی می‌دانند. البته این حکم از دیرباز مورد توجه فقها بوده است و نظرات فقها درباره موضوع را می‌توان در ابواب گوناگون مانند کتاب نکاح، کتاب صوم، کتاب نذر و... ملاحظه کرد؛ ولی فقها در کتب فقهی خود به صورت کامل و یکجا به این موضوع و احکام آن نپرداخته‌اند.

علیهذا در چارچوب روابط زوجیت، زوجه باید تابع تصمیمات سرپرست خانواده باشد و تا با همکاری یکدیگر امر خانواده را سامان دهند و در آخر باید گفت هر یک از زوجین دارای حقوق و وظایف مشترک و خاصی نسبت به یکدیگر می‌باشند که رعایت این حقوق، سبب تحکیم بنیان خانواده، رشد و تعالی جامعه می‌گردد. تحقیق حاضر به بررسی اموری که در فقه اسلام، انجام آنها به اذن یا رضایت و یا اجازه شوهر منوط شده است می‌پردازد.

کلید واژه‌ها: اذن، رضایت، اجازه، فقه امامیه، روابط زناشویی، طاعت، نشوز، قسم، زوج، زوجه،

سرپرستی، قوام.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	فصل اول: کلیات و مفاهیم
۳	۱-۱ کلیات
۳	۱-۱-۱ بیان موضوع مسئله
۳	۱-۱-۲ ضرورت و اهداف تحقیق
۴	۱-۱-۳ پرسش‌های تحقیق
۴	۱-۱-۴ فرضیه‌های تحقیق
۴	۱-۱-۵ پیشینه تحقیق
۶	۲-۱ مفاهیم
۶	۱-۲-۱ تعریف اذن
۶	۱-۲-۱-۱ اذن در لغت
۷	۱-۲-۱-۲ اذن در اصطلاح
۹	۲-۲-۱ تعریف اجازه
۹	۱-۲-۲-۱ اجازه در لغت
۹	۲-۲-۲-۱ اجازه در اصطلاح
۱۰	۳-۲-۱ تعریف رضایت
۱۰	۱-۳-۲-۱ رضایت در لغت
۱۰	۲-۳-۲-۱ رضایت در اصطلاح
۱۱	۴-۲-۱ اذن و اجازه
۱۳	۵-۲-۱ وجوه تفاوت و تشابه اذن و رضایت در فقه و حقوق اسلامی
۱۵	۶-۲-۱ وجوه تفاوت و تشابه اجازه و رضایت در فقه و حقوق اسلامی
۱۵	۷-۲-۱ تمکین
۱۵	۱-۷-۲-۱ تمکین در لغت

۱۶	۲-۷-۲-۱ تمکین در اصطلاح
۱۶	۱- تمکین عام
۱۷	۲- تمکین خاص
۱۸	۲-۱-۸ عزل
۱۸	۱-۲-۱-۸ عزل در لغت
۱۸	۲-۱-۲-۸ عزل در اصطلاح
۲۲	۱-۲-۹ نفقه
۲۲	۱-۲-۹-۱ نفقه در لغت
۲۲	۱-۲-۹-۲ نفقه در اصطلاح
۲۶	۱-۲-۱۰ قسم
۲۶	۱-۲-۱۰-۱ قسم در لغت
۲۶	۱-۲-۱۰-۲ قسم در اصطلاح
۳۱	فصل دوم: بررسی نحوه بیان اذن و اجازه شوهر بر اساس قرآن و سنت
۳۳	۱-۲ اقسام اذن
۳۸	۲-۲ ارکان اذن عبارت است از
۳۹	۲-۳ آثار اذن
۴۰	اقسام اذن
۴۱	۲-۳-۱ اعتبار اجازه بعدی در تصحیح افعال بدون اذن زوجه و نظریات اختلافی آن
۴۲	۲-۴ ارتفاع اسباب اذن
۴۴	۲-۵ نحوه تصور حق استمتاع
۴۵	۲-۵-۱ دیدگاه مشهور فقها
۴۷	۲-۵-۲ مقایسه دیدگاه فقها
۴۸	۲-۵-۳ نحوه تصور حق استمتاع برای زوج بر اساس آیات قرآن
۵۰	۲-۵-۴ نحوه تصور حق استمتاع برای زوج بر اساس روایات
۵۱	۲-۶ نوع عقد ازدواج
۵۳	نتیجه گیری

فصل سوم: موارد نیاز به اذن، اجازه و رضایت شوهر در امور عبادی و غیرعبادی	۵۵
۱-۳ مصادیق مطرح شده در روایات و محدوده شمول آنها در روابط زوجین	۵۷
۱-۳-۱ امور عبادی زن	۵۸
۱-۳-۱-۱ روزه مستحبی	۵۸
۱-۳-۱-۲ اعتکاف	۶۴
۱-۳-۱-۳ حج استحبابی	۶۶
۲-۱-۳ امور غیرعبادی یا مرتبط با عبادی	۶۹
۱-۳-۱-۲ خروج زن از منزل	۶۹
الف- بررسی روایات	۷۳
ب- تتبع در کلمات فقها	۷۵
ج- بررسی نهایی	۷۸
د- بررسی فقهی خروج زوجه	۸۰
۳-۱-۳ شرطیت اذن زوج در فعالیت‌های سیاسی زوجه از دیدگاه امامیه	۸۶
۴-۱-۳ شرطیت اذن زوج در مسئله خروج زن از منزل از دیدگاه امامیه	۸۷
۵-۱-۳ شرطیت اذن زوج در مسئله اشتغال به کار زن از دیدگاه امامیه	۹۲
۱-۳-۱-۵ نذر، عهد و قسم	۹۶
- نذر	۹۶
- قسم	۱۰۰
۲-۵-۱-۳ تساوی نذر و سوگند در معنا و اشتراک در بسیاری از احکام	۱۰۲
نتایج پایانی و پاسخ به سؤالات فرعی	۱۰۵
منابع و مآخذ	۱۱۷

فصل اول:

کلیات و مفاهیم

۱-۱ کلیات

۱-۱-۱ بیان موضوع مسئله

در روابط بین زوجین؛ در بعضی از موارد مسئله اذن مطرح می‌شود. (مثل عزل زن) و در بعضی مواقع مسئله رضایت. (مثل خروج از منزل) و در بعضی دیگر عدم نهي را کافی می‌دانند و لو اذن نباشد و رضایت احراز نشود. (مثل عزل مرد)

در بعضی موارد تعبیر به اجازه می‌کنند (مثل تصرف در اموال شوهر)

و در موارد اذن نیز گاهی تعبیر به اذن خاص می‌کنند (مثل ترک تمکین زن) و گاهی اذن عام را کافی می‌دانند. در این تحقیق ما بر آنیم که کلیه موارد نیاز به اذن، رضایت، اجازه و عدم نهي را استقصاء و استقراء کنیم و به تفکیک و به صورت دقیق موارد نیاز به اذن خاص، موارد نیاز به اذن عام، موارد عدم نیاز به اذن و کفایت رضایت، موارد عدم نیاز به اذن و رضایت و کفایت اجازه را تعیین کنیم و به نظر می‌رسد این کار کاملاً نوآوری می‌باشد و در هیچکدام از متون فقهی قدیم و جدید کار نشده است.

۱-۱-۲ ضرورت و اهداف تحقیق

چون این مسئله بسیار مورد ابتلا است و به صورت واضح و تجمیعی در یکجا نیز در فقه بررسی نشده است لذا بسیار با اهمیت است و هدف از تحقیق یک بررسی همه جانبه است تا حکم تک تک موارد مشخص شود.

۱-۱-۳ پرسش‌های تحقیق

- پرسش اصلی

در فقه امامیه در روابط بین زوجین در چه مواردی نیاز به اذن هست و در چه مواردی رضایت و در چه مواردی عدم نهي کافی است؟

- پرسش‌های فرعی

۱- موارد لزوم اذن زوجه کدامند؟

۲- مؤلفه‌های تأثیرگذار بر حکم استیذان از زوج کدامند؟

۳- آیا مرد حق تصرف در اموال زنش را بدون رضایت او دارد؟

۴- تفاوت اذن، رضایت و اجازه چیست؟

۵- آیا سکوت دلالت بر رضایت دارد؟

۱-۱-۴ فرضیه‌های تحقیق

چون این تحقیق کاملاً اکتشافی است لذا فرضیه‌ای از پیش تعیین شده ندارد.

۱-۱-۵ پیشینه تحقیق

در رابطه با موضوع تحقیق و برخی کلیدواژه‌های آن همچون موارد لزوم اذن، رضایت و اجازه زوجه از زوج، تحقیقات مختلفی به منصف ظهور رسیده‌اند که برخی از آن‌ها عبارتند از:

۱- «بررسی فقهی اطاعت زوجه از زوج» اثر ابوالقاسم علیدوست / مهدی ساجدی منبع: مجله حقوق اسلامی

تابستان ۹۰ - شماره ۲۹ - صفحه ۷

۲- «موارد لزوم اذن زوج از دیدگاه فقه اسلامی» اثر مهدی ساجدی / سیدمحمدجواد موسوی زاده منبع: مجله

پژوهش‌های فقهی پاییز و زمستان ۱۳۹۰، دوره هفتم - شماره ۲ - صفحه ۱۳۹

۳- مقاله «قاعده اذن، کلیات و تعاریف» اثر سیدمحمد علی یثربی، منبع: پژوهش‌های دینی - بهار ۱۳۸۴ -

شماره ۱ - ص ۱۲۷

۴- پایان‌نامه «بررسی فقهی اذن زوجه از زوج» اثر زهرا جوادی طلبه مدرسه علمیه پیروان حضرت زهرا علیها السلام -

مشهد

۵- پایان‌نامه کارشناسی ارشد «محدوده ضرورت اذن گرفتن زوجه از زوج در مذاهب پنجگانه» اثر زهره رحیم

زاده

۶- مقاله «قاعده اذن و کاربرد آن در حقوق اسلامی» - سایت دادگستری کل استان کرمان

اما به نظر می‌رسد در هیچیک از متون فقهی قدیم و جدید تحقیقی که به صورت دقیق موارد نیاز به اذن خاص و عام، موارد عدم نیاز به اذن و کفایت رضایت، موارد عدم نیاز به اذن و رضایت و کفایت اجازه را تعیین کند، پرداخته نشده و این کار کاملاً نوآوری می‌باشد.

۲-۱ مفاهیم

۱-۲-۱-۱ تعریف اذن

۱-۲-۱-۱-۱ اذن در لغت^۱

از بررسی کتاب‌های گوناگون لغت، چنین برمی‌آید که اذن از نظر لغوی به سه معنای زیر به کار می‌رود:

الف) اعلام: اذن در آیه ۲۷۹ سوره بقره به این معناست: و اگر [چنین] نکرديد، بدانيد که به خدا و فرستاده او، اعلام جنگ کرده‌اید.^۲

ب) اباحه و رخصت: اذن گفته شده در آیه ۹۷ سوره بقره به این معنا اشاره دارد: پس آنان را با اجازه خانواده‌شان به همسری (خود) در آورید.^۳

ج) امر و فرمان: در آیه ۲۴ سوره نساء به این معنا اشاره شده است: بگو «کسی که دشمن جبرئیل است [در واقع، دشمن خداست]؛ چرا که او به فرمان خدا، قرآن را بر قلبت نازل کرده است.»^۴

برخی از نویسندگان، تنها به ذکر معنای نخست اکتفا کرده‌اند،^۵ و این به دلیل اهمیت آن معناست. غیر از آنچه یاد شد، معانی دیگری مثل اراده و استماع نیز برای اذن ذکر شده است.^۶ بعضی از فرهنگ‌نویسان بر این باورند که

۱. پور اسماعیلی، علیرضا. «بررسی مفاهیم اذن، رضایت و برائت و تأثیر آنها در مسؤولیت پزشک.» مطالعات فقه و حقوق اسلامی ۲ (۱۳۸۹): ۵۳-۷۰

۲. «فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ»

۳. «فَأَنْكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ»

۴. «قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ أَنْزَلَهُ عَلَيَّ قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ»

۵. نویسنده اصطلاحات الفنون تنها به ذکر معنای اعلام اکتفا کرده است. به عقیده وی، اذن گاهی به معنای اعلام (به طور اطلاق) به کار می‌رود، گاهی نیز به معنای اعلام خاصی که همان اعلام رخصت در تصرف است استعمال می‌شود. وی می‌نویسد: «الإذن بالكسر في اللغة الاعلام مطلقا ومنه الأذان و الاعلام بالاجازه في التصرفات و الرخصة في الشيء و الاطلاق عن أي شيء كان»؛ الاحمد نگری، عبدالنبی. جامع العلوم فی اصطلاحات الفنون. ج ۱. ص ۸.

۶. زمخشری، محمود بن عمر. اساس البلاغه. ص ۴؛ صفی پور، عبدالرحیم بن عبدالکریم. منتهی الارب. ج ۱. ص ۱۸؛ طریحی، فخرالدین بن محمد. مجمع البحرین. ج ۶. ص ۲۰؛ زبیدی، محمد مرتضی. تاج العروس. ج ۹. ص ۱۱۹؛ ابن منظور، محمد بن مکرم. لسان العرب. ج ۱۳. ص ۹ و ۱۰؛ الجوهری، اسماعیل بن حماد. صحاح. ج ۵. ص ۲۰۶۸؛ المقرئ، احمد بن محمد. مصباح المنیر. ج ۱. ص ۱۵؛ طوسی، محمد بن حسن. تفسیر تبیان. ج ۱. ص ۳۸۰ و ۳۸۱؛ طبرسی، فضل بن الحسن. مجمع البیان. ج ۱. ص ۱۷۱؛ فراهیدی، خلیل بن احمد. العین. ج ۸. ص ۲۰۰

واژه اذن در قرآن در معانی متعددی، از جمله اجازه، اراده، اطاعت و علم به کار رفته است؛^۱ لیکن به نظر می‌رسد بعضی از این معانی به سه معنای بالا قابل ارجاع باشد.

از بررسی واژه اذن در کتاب‌های لغت می‌توان دریافت که اذن به معنای اعلام بیشتر با حرف «با»، به معنای اباحه و رخصت

غالباً با حرف «فی» و به معنای استماع در اکثر موارد با حرف «الی» متعدی می‌شود.^۲

به نظر می‌رسد از بین معانی ذکر شده، معنای اعلام ریشه معنای اصطلاحی اذن باشد؛^۳ یعنی اذن در اصل به معنای اعلام بوده، اما بر اثر کثرت استعمال، در معنای اعلام رضایت و رخصت نیز به کار رفته است.^۴ ایدان به معنای اذن دادن و استیذان به معنای اذن گرفتن می‌باشد.^۵ اذن دهنده را آذن و کسی را که به او اذن داده می‌شود، مأذون می‌نامند.

۱-۲-۱-۲ اذن در اصطلاح

معنای اصطلاحی اذن نیز از معنای لغوی آن چندان دور نیست و صاحب‌نظران در تعریف اصطلاحی به معنای لغوی توجه کرده، بر پایه آن، اذن را به صورت‌های گوناگون تعریف کرده‌اند که به ذکر چند مورد از آن می‌پردازیم:

الف) اذن، اباحه فعل یا قول ممنوع است.

ب) اذن برطرف نمودن مانعی است که قانون‌گذار برای آن اثری مترتب می‌کند.^۶

۱. قریشی، علی اکبر. قاموس قرآن. ج ۱. ص ۵۶.

۲. چنان که اقرب الموارد این گونه می‌نویسد: «إذن بالشئء إذنا و إذنا و إذنا و إذنا: علم به و أذن له فی الشئء إذنا و اذینا: أباحه له و أذن الیه أذنا: استمع». (الخوری، سعید. اقرب الموارد. ج ۱. ص ۷).

۳. معنای «اعلام»، در بسیاری از کتاب‌های لغت آمده است و بسیاری از آنها معنای علم و اعلام را به عنوان اولین معنای اذن ذکر کرده‌اند؛ مانند قاموس که در این باره می‌گوید: «أذن بالشئء کسمع إذنا بالكسر و یحرک و أذانا و اذانه علم به فأذنوا بحرب ای کونوا علی علم و أذنه الأمر و به أعلمه و أذن تأذینا اکثر الاعلام». (فیروزآبادی. القاموس المحیط. ج ۴. ص ۱۹۵).

۴. نوشته‌های برخی از اهل لغت، این نظر را تأیید می‌کنند؛ از جمله راغب می‌نویسد: «الاذن فی الشئء اعلام باجازه و الرخصه فیه». (الراغب الاصفهانی، محمد حسین. المفردات. ص ۱۴).

۵. «استأذنه» سألہ الاذن و علیه: طلب اذن الدخول الیه. و الاستئذان طلب الاذن. (سعید الخوری. اقرب الموارد. ج ۱. ص ۸) و استأذنه: طلب منه الاذن (ابن منظور، لسان العرب. ج ۱۳. ص ۱۰).

۶. ابن قدامه، عبدالله بن احمد. المغنی. به همراه شرح کبیر از: ابن قدامه المقدسی، عبدالرحمن بن محمد. ج ۴. ص ۲۲۲.

ج) اذن، رخصت دادن و برداشتن مانع یا اعلام رضایت به آن است.^۱

د) اذن، برطرف نمودن منع و حجری است که معلول رقیّت یا صغر سن و خردسالی و یا کم‌خردی و سفاهت باشد. در واقع، اذن ساقط نمودن حق است.^۲ این تعریف، تنها بعضی از مصادیق اذن را در برمی‌گیرد؛ مثلاً اذن ولی در نکاح دختر بالغ باکره و نیز اذن زن را به شوهر در ازدواج با برادرزاده یا خواهرزاده زن که از حقوق غیرقابل اسقاط است، شامل نمی‌شود.

ه) اذن، برطرف نمودن منع و ساقط نمودن حق است.^۳

و) اذن، رخصت در تصرف از سوی مالک یا شخص به منزله مالک را گویند.^۴

به نظر می‌رسد، عبارت «ساقط نمودن حق» در دو تعریف اخیر زائد باشد و معنایی بیش از رفع حجر افاده نمی‌کند. از این رو در برخی از تعاریف به رفع حجر و برداشتن مانع قانونی تصرف، اکتفا شده است.^۵

تعاریف پیش گفته نشان می‌دهد که منظور از اذن در معنای اصطلاحی همان اعلام رضایت، رخصت و اباحه است و اگر چنین رخصتی پیش از تصرف فرد در مال داده شود، «اذن» نامیده می‌شود و اگر پس از تصرف فرد در مال داده شود، «اجازه» نام دارد.^۶

پس اذن عبارت است از: «انشای رضایت مقنن یا مالک یا کسی که قانون رضایت او را مؤثر دانسته به یک یا چند نفر معین یا غیر معین برای انجام دادن یک عمل حقوقی یا تصرف خارجی».^۷

۱. عبد الناصر، جمال. موسوعه الفقه الاسلامی. ج ۳. ۲۲۲-۲۲۱

۲. همان.

۳. زلیعی، عثمان بن علی. تبیین الحقایق فی شرح کنز الدقایق. ج ۵. ص ۲۰۳. در دو تعریف اخیر، اذن مسقط حق معرفی شده است که البته این تعریف مبتنی بر نظری است که عده‌ای از فقهای اهل تسنن در زمینه اذن دادن به عبد در تجارت، بدان معتقدند. به نظر آنان، اگر مولا به بنده خویش اذن در تجارت بدهد، این اذن همه انواع تجارت را شامل می‌شود و به زمان یا مکان یا نوع خاصی از تجارت محدود نمی‌گردد. زیرا ممنوعیت گذشته عبد از تجارت به دلیل رعایت حق مولا می‌باشد، ولی هنگامی که او اذن دهد در حقیقت حق خویش را ساقط می‌کند و عبد طبق اهلیت اصلی خویش در هرگونه تجارتی مجاز است. به نظر می‌رسد، مولا با اذن دادن، حق خویش را ساقط نمی‌کند؛ زیرا حتی طبق نظر این عده از فقها، مولا هرگاه بخواهد می‌تواند از اذن خویش رجوع کند. بنابراین، تعریف اذن به «اسقاط حق» مناسب نمی‌باشد.

۴. حسینی، عبد الفتاح. العناوین الفقهیه. ج ۲. ص ۵۰۶.

۵. «الاذن فی الشرع فک الحجر و اطلاق التصرف لمن کان ممنوعاً شرعاً»؛ الاحمد نگری، عبدالنبی. جامع العلوم فی اصطلاحات الفنون. ج ۱. ص ۸.

۶. جعفری لنگرودی، محمد جعفر. فلسفه حقوق مدنی. ج ۲. ص ۱۸-۱۷.

۷. فصیحی زاده، علیرضا. اذن و آثار حقوقی آن. ص ۲۶.

۱-۲-۳ تعریف رضایت

۱-۳-۲-۱ رضایت در لغت

رضایت در لغت به معنای خرسندی باطنی، خشنودی قلبی، پسندیدگی، میل و موافقت آمده است.^۱ و «رضایت» مصدر مجعول است که به جای «رضا» و «رضاوت» استعمال می‌شود و استعمال صحیح آن در زبان عربی باید به صورت «رضاوت» باشد، زیرا ریشه کلمه، «واوی» است و قلب «واو» به «یاء» دلیل و مجوزی ندارد^۲؛ بنابراین، رضایت در زبان عربی به کار برده نمی‌شود و پیشینه‌ای در فقه ندارد که رضا به کار رفته است و اصالت دارد.^۳

۱-۳-۲-۲ رضایت در اصطلاح

رضا در اصطلاح، «قصد انجام عملی را بدون شائبه اکراه و اجبار» گویند.^۴ ولی این تعریف، تعریف به اعم است و قصد هم در برمی‌گیرد. به طور کلی، این واژه در فقه دارای اصطلاح خاصی نبوده و در همان معنای لغوی و در مقابل اکراه و اجبار به کار برده شده است. در حالت کلی می‌توان گفت که رضا در اصطلاح، در معانی متعددی از جمله دو معنای زیر به کار می‌رود:

۱- میل قلب به سوی یک عمل حقوقی که در گذشته انجام گرفته، یا اکنون انجام می‌شود و یا در آینده واقع خواهد شد. رضا به همین معنا در ماده ۱۹۰ ق.م. به کار رفته است: «برای صحت هر معامله شرایط ذیل اساسی است: قصد طرفین و رضای آن‌ها...» رضا به این معنا با قصد انشا که تنها به زمان حال تعلق می‌یابد، تفاوت اساسی دارد.^۵

۲- گاهی رضایت به معنای قصد انشا به کار می‌رود. این اصطلاح از حقوق فرانسه گرفته شده و بر خلاف اصطلاح نخست، منشأ فقهی ندارد. ماده ۱۹۹ ق.م. که با استفاده از حقوق مدنی فرانسه تدوین گردیده، رضا را در

۱. جرجانی، علی بن محمد بن علی. التعریفات. حقه و قدم له ابراهیم الایاری. ص ۱۴۸؛ ابن منظور مکرّم، لسان العرب. علق علیه علی شیری. ص ۵.

۲. دهخدا، علی اکبر. لغت‌نامه. ج ۷. ص ۱۰۶۷۲.

۳. پور اسماعیلی، علیرضا. «بررسی مفاهیم اذن، رضایت و برائت و تأثیر آنها در مسؤولیت پزشک.» مطالعات فقه و حقوق اسلامی ۲ (۱۳۸۹): ۵۳-۷۰.

۴. وزارت الاوقاف و الشؤون الاسلامیه، الموسوعه الفقهیه. ج ۲. ص ۲۲۸.

۵. ماده ۱۹۰ قانون مدنی

همین معنای به کار برده است.^۱

طبق ماده ۱۹۹ ق.م.م: «رضای حاصل در نتیجه اشتباه یا اکراه موجب نفوذ معامله نیست». این ماده، تحقق رضا را با فرض اکراه ممکن دانسته است، در حالی که اگر مقصود از رضا معنای اول باشد، چنین امری باطل است. زیرا رضا در معنای اول مقابل اکراه است و با اکراه جمع نمی‌شود؛^۲ چنان‌که قانون مدنی نیز آن دو را مقابل یکدیگر قرار داده و در ماده ۱۰۷۰ مقرر می‌دارد: «رضای زوجین شرط نفوذ عقد است و هرگاه مکره بعد از زوال کره، عقد را اجازه کند نافذ است؛ مگر این که اکراه به درجه‌ای بوده که عاقد فاقد قصد باشد».^۳

۱-۲-۴ اذن و اجازه

اذن و اجازه را باید از هم جدا کرد؛ هرچند که این دو واژه، گاهی در عرف و هم چنین در فقه و حقوق به یک مفهوم به کار برده می‌شود.^۴

در کلام فقها، به تفاوت بین اذن و اجازه اشاره شده است.^۵ اجازه اظهار رضایت شخصی است که قانون، رضای او را شرط تأثیر عقد یا ایقاعی دانسته که از دیگری صادر شده، مشروط بر این که رضایت مزبور بعد از صدور عقد یا ایقاع مذکور صادر شود.^۶

ولی اذن انشا و اعلام رضایت شخص بر انجام دادن یک عمل حقوقی یا تصرفات خارجی است. با مقایسه مفهوم اذن با اجازه، تفاوت بین آن دو آشکار می‌گردد، هرگاه رضایت قبل از تصرف باشد، اذن محسوب می‌شود و چنانچه بعد از تصرف باشد، اجازه به شمار می‌رود.

به قولی تفاوت میان اجازه و اذن این است که اجازه اظهار رضایت بعد از وقوع عقد یا ایقاع است، اما اذن، ابراز رضایت قبل از وقوع آن می‌باشد.

۱. ماده ۱۹۹ قانون مدنی

۲. گلپایگانی، سید محمد رضا، در حاشیه عروه الوثقی؛ اجبار دیگری را به دادن اذن به دلیل آن که اذن در حقیقت جنبه بیرونی رضایت می‌باشد و رضایت با اکراه تنافی دارد، باطل می‌شمرد: «لو كان المعتبر الإذن الكاشف عن الرضا كما هو الظاهر فلا يتحقق بالإجبار». (طباطبائی یزدی، محمد کاظم، عروه الوثقی، ج ۲، ص ۶۳۳).

۳. ماده ۱۰۷۰ قانون مدنی

۴. ماده ۴۲۱ قانون مدنی

۵. عبد الفتاح، العنواين، ص ۹۳۳؛ موسوی خمینی، کتاب البیع، ج ۲، ص ۴۰۱.

۶. لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، ش ۲۵.